

علل مانایی انقلاب اسلامی و استحکام نظریه نظام انقلابی در عرصه فرامرزی و بین‌المللی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بهزاد قاسمی^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

در بررسی و تحلیل علت‌های مانایی انقلاب اسلامی و استحکام نظریه نظام انقلابی در عرصه فرامرزی و بین‌المللی، پی‌بردن به زمینه‌های مانایی انقلاب و شناخت مؤلفه‌های استحکام‌بخش نظام انقلابی نقش مهمی دارد. مانایی و پویایی انقلاب از یک سو، جایگاه نظریه نظام انقلابی در عرصه برون‌مرزی از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت این تحقیق را آشکار ساخته است. با توجه به اینکه، رهبران انقلاب اسلامی با رصد تحولات انقلاب اسلامی و امور نهضت‌ها در بیانات خود در مناسبت‌های گوناگون، ابعاد و زوایای این موضوع را طرح و تبیین کرده‌اند؛ در سال‌های اخیر، مقام معظم رهبری (مدظله) به مسئله و نظریه نظام انقلابی توجه ویژه داشته‌اند. در سخنان رهبری انقلاب اسلامی ایران، شناخت علت‌های ماندگاری و استحکام نظریه نظام انقلابی با تکیه بر عرصه فرامرزی و بین‌المللی به هدف و شاخص تبدیل شده است.

براین اساس، نوشتار پیش‌رو با طرح این پرسش اساسی که «علل مانایی انقلاب اسلامی و استحکام نظام نظریه انقلابی چیست و مضامین فراگیر آن در عرصه فرامرزی و بین‌المللی کدام‌اند؟» در پی شناسایی مؤلفه و شاخص‌های آن است. این مقاله که با رویکرد کیفی صورت گرفته است و هدف آن این است که با استفاده از روش تحلیل مضمون به آن پاسخ دهد. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر بیانات رهبری (مدظله) موسوم به بیانیه «گام دوم انقلاب» است. با استفاده از روش شبکه مضامین، از روش‌های تحلیل مضمون، یافته‌های کیفی نشان‌دهنده آن است که مؤلفه و شاخص‌های استخراج‌شده از شبکه مضامین شامل چهار بُعد و ۳۲ مؤلفه است. در این مقاله، چهار مضمون بین‌المللی‌گرایی انقلابی، تطابق آرمان داخلی و رفتار خارجی، صدور انقلاب، دولت / نظام انقلابی ارائه شد. در نتیجه،



یافته‌های توصیفی استخراج‌شده از بیانیه مبنای مناسبی برای شناخت علل ماندگاری و استحکام نظریه نظام انقلابی است.

واژگان کلیدی

ماندگاری انقلاب، ایران، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، نظام انقلابی، نظام بین‌الملل

مقدمه

تحولات داخلی در کشورها زیرمجموعه و از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده نظام بین‌الملل به شمار می‌رود. در نتیجه، برخی تحولات بنیادین داخلی همواره به شکل‌های گوناگون نظام منطقه‌ای مجاور/ فرامرزی و حتی کلیت نظام بین‌الملل / جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. با نگاهی گذرا به تاریخ روابط بین‌الملل به‌خوبی روند تأثیرگذاری متقابل میان تحولات داخلی و شکل‌گیری سامان‌های جدید منطقه‌ای و بین‌المللی را درمی‌یابیم.

وقوع جنگ‌های مذهبی اروپا: درگیری‌های موسوم به جنگ‌های سی‌ساله مذهبی بین سال‌های ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ صحنه داخلی کشورهای اروپایی را دگرگون کرد؛ دیری نپایید که این تحولات به‌ظاهر داخلی، آرایش سیاسی کل اروپا را دستخوش تغییر کرد (دولاندلن، ۱۳۶۸: ۴۲۷؛ ماله آلبر، ۱۳۶۳: ۲۳۶). تقسیم اروپا به سه بخش شمالی عمدتاً پروتستان، جنوب عمدتاً کاتولیک و بخش مرکزی ترکیبی متضاد از نیروهای دو مذهب اشاره‌شده در نهایت، نظم جدید منطقه‌ای را به‌وجود آورد که پایه شکل‌گیری نظام وستفالیایی بود. این نظام سرآغاز ایجاد نظام دولت-ملتی و پدیده ناسیونالیسم (ملی‌گرایی به‌جای قومیت‌گرایی) و سکولاریسم (دولت‌گرایی به‌جای دین / مذهب‌گرایی) از پیامدهای آن شد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

وقوع جنگ‌های استقلال آمریکا: این درگیری‌ها در قرن هجدهم با وجود آنکه در دهه نخست ماهیتی داخلی و بومی داشت، خیلی زود منشأ تأثیرات شگرف و عمده‌ای در چگونگی شکل‌گیری نظام بین‌المللی و نظم نوین جهانی در پایان قرن هجدهم شد (پلانو و التون، ۱۳۷۵: ۴۸)؛ تأثیراتی که محسوس‌ترین آنها در آرایش جدید دولت‌های اروپایی و تحدید نقش اروپایی‌ها در قاره آمریکا (تحت تأثیر دکترین مونروئه) و ظهور بازیگری



جدید و مهم یعنی، ایالات متحده آمریکا در نظام بین‌الملل بود (حجت‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۴؛ امام‌جمعه‌زاده و تویسرکانی، ۱۳۸۱: ۶۵۲).

وقوع انقلاب فرانسه: آنچه در سال‌های ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹ درون مرزهای کشور فرانسه اتفاق افتاد، خیلی زود و حتی قبل از آنکه نتیجه قطعی و نهایی آنها داخل فرانسه روشن شود، منشأ تأثیرات عمیق و گسترده‌ای در سطح اروپا شد. این تأثیرات عبارت بودند از: رواج و تقویت ناسیونالیسم مدرن، آزادی، برابری و حقوق بشر (گفتمان حاکم بر نظام بین‌الملل)، تشکیل نظم مبتنی بر تصمیمات کنگره وین از ۱۸۱۵ به بعد و قطب‌بندی شدن اروپا (تقسیم قدرت میان پنج قدرت اروپایی انگلستان، روسیه، پروس، اتریش و فرانسه) تا یک‌صد سال استمرار پیدا کرد (ماله و ایزاک، ۱۳۶۴؛ ۲۳۸؛ پالمر، بی تا، ۷۱؛ توکویل، ۱۳۶۹: ۳۱).

ظهور نازیسم و فاشیسم: تأثیرات منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی ظهور نازیسم در آلمان و فاشیسم در ایتالیا زمینه‌ساز قطب‌بندی اروپا شد و با تقسیم جهان به دو بلوک متفقین و متحدین به جنگ جهانی دوم، با بیش از پنجاه میلیون کشته، منجر شد و در نهایت، به شکل‌گیری سازمان ملل و شورای امنیت به شکل امروزی انجامید (هاوگن، ۱۳۸۹: ۶۳؛ آلاریس، ۱۳۷۱؛ استوارت، ۱۳۸۸: ۲۳؛ سرژ، ۱۳۷۰: ۱۱۲). تقسیم جهان به دو بلوک شرق / غرب یا کمونیسم بین‌الملل / سرمایه‌داری جهانی در انقلاب بلشویکی چپ در ۱۹۱۷ در روسیه و گسترش تفکر لنینیستی پس از جنگ اول جهانی و گسترش استالینیستی بعد از جنگ دوم جهانی ریشه داشت.

وقوع انقلاب اسلامی: آنچه در سال‌های ۱۳۵۷/۱۹۷۹ و پس از آن در کشور ایران اتفاق افتاد، در هنگام نهضت انقلاب اسلامی به‌رهبری امام خمینی (ره) و پس از پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی منشأ و تأثیرات عمیق در عرصه فرامرزی و بین‌المللی شد. رواج گفتمان انقلابی، استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی، نفی سبیل و در نهایت، شکل‌گیری قطب سوم در جهان و در تقابل با بلوک شرق و غرب سبب تشکیل نظام سیاسی و نظریه نظام انقلابی در جهان شد. بعد از فروپاشی بلوک شرق و ظهور گفتمان انقلابی، پیوسته گفتمان انقلابی، با نقش محوری ایران، و رویکرد نظام سلطه، با نقش محوری آمریکا، باهم در تقابل اند.

امروزه، با عنایت به اهمیت این موضوع، در پژوهش‌های آکادمیک دنیا و محافل سیاسی و حاکمیتی به آن توجه شده است. مقاله پیش‌رو نیز علل مانایی انقلاب اسلامی و استحکام



نظریه نظام انقلابی در عرصه فرامرزی و بین‌المللی را مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بررسی و واکاوی کرده است. با وصف آنچه گذشت، این مقاله علت‌های مانایی انقلاب اسلامی و استحکام نظام انقلابی را بررسی و شاخص‌های آن را شناسایی می‌کند.

ادبیات تحقیق

انقلاب اسلامی ایران و نظریه نظام انقلابی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و برتری گفتمان اسلام سیاسی بر نظام برآمده از انقلاب اسلامی، ماهیت نظام سیاسی پیشین دگرگون و نظام جمهوری اسلامی در ایران بنا شد. انقلاب اسلامی ایران علاوه بر ایجاد حاکمیت و نظام سیاسی، رسالت دیگری نیز پذیرفته و آن را در قانون اساسی تثبیت و تأیید کرده است. انقلاب اسلامی با عنایت به جهان‌شمول بودن، اصطلاحات و مفاهیم جدیدی ابداع کرده است؛ اصطلاحاتی همچون: مستضعفان، ملت‌های محروم، مستکبران، جهان‌استکباری و حاکمیت مستضعفان از مهم‌ترین آنهاست (محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۷).

رسالت مهم و بزرگ انقلاب اسلامی «تمدن‌سازی» است که به شکل‌های گوناگون در اصول قانون اساسی آمده است. تمدن‌سازی بارها در برهه‌هایی از تاریخ ایران و اسلام اتفاق افتاده و با انقطاع تاریخی، در تمدن‌سازی گسست ایجاد شده است. پس از معاهده وستفالیاً در ۱۶۴۸ و به‌ویژه، با پایان جنگ جهانی دوم، کشورهای اسلامی در موضوع تمدن‌سازی دچار سردرگمی شدند؛ برخی دنباله‌رو غرب، و برخی دیگر برای یافتن هویت تاریخی خود در تلاش بوده‌اند. انقلاب اسلامی در دوره معاصر بازتولیدکننده تفکر و فرهنگ تمدن دوره طلایی عصر اسلام بوده است.

تمدن‌سازی غربی گونه دیگری از نظام سلطه است که به وسیله دولت مردان غربی و آمریکایی دنبال می‌شود و روش آنها دولت - ملت‌سازی است. دولت - ملت‌سازی به اقداماتی به رهبری نیروهای خارجی گفته می‌شود که می‌کوشند نهادهای ضعیف یا دولت‌های ورشکسته را از نو بنا کنند. نوع دیگر دولت - ملت‌سازی مدنظر غرب به موافقت‌نامه کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته مربوط است که تعهد می‌کنند دولت‌های ضعیف را در اصلاح امور یاری کنند که این‌گونه کارها در حوزه اقتصادی، تجاری و در شکل‌های گوناگون انجام می‌شود. آنها



معتقدند کشورهای جهان سوم در دولت‌سازی و اداره امور کشور خود ناتوانند و به نیروی خارجی دیگر نیاز دارند (اکبری، ۱۳۹۶: ۳۵۱). در دیدگاه انقلاب اسلامی و نظریه نظام انقلابی برآمده از آن، این روش مردود است و نگاه فراوطنی و فراملی انقلاب اسلامی منطق امت‌محوری و جهان‌وطنی دولت مقاومت قدرت‌بازبگری این دولت را توسعه می‌دهد.

انقلاب اسلامی در زمینه تمدن‌سازی و نوسازی، توسعه غرب را زیر سؤال برد و فریاد برآورد که دین درباره اداره دنیا جهت‌گیری‌هایی اساسی دارد. انقلاب اسلامی ارزش‌نویسی آفرید و آن اینکه، نوسازی به توسل به الگوهای غربی نیاز ندارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۱۲). تجربه انقلاب اسلامی نشان داد می‌توان پدیده اجتماعی عظیمی را ساخت و این ارزش و مفهوم جدیدی است که انقلاب اسلامی به عرصه تئوری‌پردازی جهانی عرضه کرده است (فراستی، ۱۳۷۷: ۱۸۴). به نظر می‌رسد مهم‌ترین علت ماندگاری انقلاب اسلامی نیز به همین گفتمان و تئوری تولیدشده بازمی‌گردد؛ در واقع، از یک‌سو، انقلاب اسلامی نظریه نظام انقلابی را تولید کرده است و توسعه می‌دهد و از سوی دیگر، نظریه نظام انقلابی سبب پویایی و ماندگاری انقلاب می‌شود؛ در نتیجه، با توسعه، تقویت و استحکام نظریه نظام انقلابی، انقلاب پویاتر می‌شود و دوام و بقای بیشتری خواهد داشت و البته، عکس آن نیز محتمل است.

آنچه در بیانیه گام دوم انقلاب آمده مصداق عینی عوامل مانایی انقلاب و استحکام نظریه نظام انقلابی است: «ایران مقتدر امروز هم، مانند آغاز انقلاب، با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است. اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسواکردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله



سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از دهها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته بازهم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته ملت ایران در چشم جهانیان و عبورکرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است» (مقام معظم رهبری (مدظله)، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷).

مفاهیم

مانایی - زنده ماندن: ماندگاری هر نظام سیاسی و هر حکومت، اصلی‌ترین هدف و درحقیقت، هدف وجودی آن حکومت یا نظام سیاسی در مسیر حرکت خود است. واحدهای سیاسی که امروزه در قالب کشورهای گوناگون با مرزهای مشخص محدود شده‌اند، نخست به دنبال تحقق این هدف و سپس در پی تثبیت و ارتقای این ماندگاری هستند؛ چراکه، ماندگاری در قالب‌های گوناگون تعمیم‌یافتنی است. قرن نوزدهم به قرن انقلاب‌ها معروف است. در این قرن، کشورها به‌ویژه، در منطقه غرب آسیا، تغییر و تحولات اساسی یافته و هر یک به‌نوعی تغییرکرده‌اند؛ این تغییرها در قالب‌های گوناگونی نظیر اصلاحات، رفرم، کودتا یا انقلاب بوده است؛ بیشتر این تغییرها با اهداف و آرمان‌هایی خاص، محقق شده‌اند و مهم‌ترین هدف پس از هر تغییر برای هر یک از این مجموعه‌ها، به‌طور قطع، حفظ این تغییرها بوده است؛ بررسی ماندگاری هر یک از این تغییرها در مسیر اهداف نخستین و آرمان‌های اصلی این حرکت‌ها یکی از کارهایی است که پژوهشگران حوزه انقلاب به آن اهتمام داشته و دارند؛ درواقع، پژوهشگران می‌خواهند میزان کارایی و ماندگاری این حرکت‌ها و همچنین، میزان انحراف یا دلایل شکست آنها را بیابند و از آن برای تعمیم و ساخت فرضیه و درنهایت، نظریه‌های خود بهره‌گیرند (جمال‌زاده، باباهادی و فیضی، ۱۳۹۷: ۱۱۱).

استحکام نظام انقلابی: استحکام و ساخت درونی قدرت متشکل از اجزا و واحدهای به‌هم‌پیوسته‌ای است که برابند افزایش توان هریک از این واحدها مقوله «اقتدار ملی» در کشور را تقویت می‌کند. اجزای ساخت درونی قدرت در حوزه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و توانمندی‌های داخلی تعریف‌شدنی هستند. این رویکرد به مقوله اقتدار ملی در تقابل با نظریات «وابستگی» و «وابستگی متقابل» قرار دارد؛ اگرچه،



به‌ظاهر تابعی از درون‌گرایی است، دراصل، درپی برقراری موازنه برای تعاملات استراتژیک است تا گریزی باشد از رویکردهایی که تغلب قهریه را ترجیح می‌دهند.

اهمیت تقویت ساخت درونی نظام و اساس کار بودن این مسئله و تقویت درونی کشور با اندیشه کامل و نگاه عاقلانه و خردمندانه بارها در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) آمده است. استحکام درونی مطابق نظر معظم‌له آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب قادر می‌سازد و به جوامع قدرت برخورد با چالش‌ها را می‌دهد. برطبق نظر مقام معظم رهبری (مدظله)، وزن و اعتبار کشورها، دولت‌ها و ملت‌ها به میزان بهره‌برداری از منابع درونی و اتکا به استعداد درونی خویش وابسته است (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۲/۰۷/۱۷).

عناصر استحکام ساخت درونی کشور به دو بخش عناصر همیشگی و عناصر فصلی تقسیم می‌شود. عزم راسخ مردم و مسئولان و حفظ تصمیم در مواجهه با مشکلات و حرکت به سمت آرمان‌ها در زمره عناصر همیشگی ساخت درونی کشور است و تأکید بر مسئله اقتصاد و مسئله پیشرفت علمی کشور از عناصر فصلی شمرده می‌شوند (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰). موضوع بعدی برای ساخت اقتدار درونی ملت به کارگرفتن عقل و معنویت و توکل و حرکت و عمل است (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۲/۰۶/۲۰).

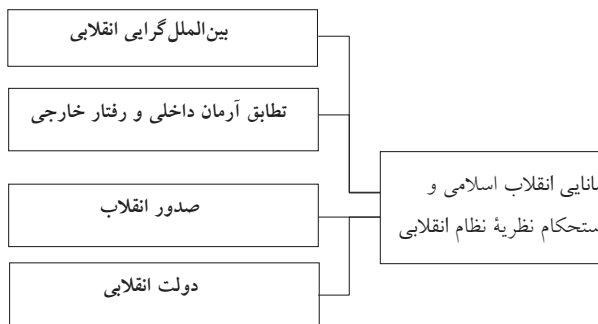
تکیه به علم و دانش خود، اساس بودن تولید داخلی، نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور، تکیه به استعدادهای درونی، ابتکار نیروی انسانی در مسیر دیدگاه مبتنی بر منابع مطرح است و اساس استحکام ساخت درونی نظام به‌شمار می‌آید (بیانات رهبری (مدظله)، ۱۳۹۲/۰۶/۲۶) و نتیجه این استحکام نیز حفظ کشور در برابر هرگونه افزون‌طلبی، انحصارطلبی، تجاوز، ماجراجویی و بحران است (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۲/۰۲/۲۲).

ادبیات و عملکرد امام خمینی (ره) درباره استحکام ساخت درونی درخور توجه است. با ملاحظه ادبیات انقلابی حضرت امام (ره) درمی‌یابیم که تکیه اصلی ایشان نیز بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به‌خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی همیشه مدنظر ایشان بوده است. مطابق دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی (ره)، عزت به‌معنای ساخت مستحکم درونی فرد یا جامعه است که به او در مقابله

با موانع و دشمن، اقتدار می‌بخشد و به غلبه بر چالش‌ها کمک می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴).

عناصر مفهومی پژوهش

باتوجه به مرور ادبیات پژوهش و بیانیه گام دوم انقلاب، عناصر مفهومی پژوهش پیش‌رو شامل چهار بُعد است: بین‌الملل‌گرایی انقلابی، تطابق آرمان داخلی و رفتار خارجی، صدور انقلاب، و دولت / نظام انقلابی را انتخاب کرد.



نمودار (۱) عناصر مفهومی تحقیق

عناصر یا عوامل مانایی انقلاب و استحکام نظریه نظام انقلابی

همان‌گونه‌که، در نمودار می‌بینیم در مرکز هسته اصلی، مانایی انقلاب اسلامی و استحکام نظریه نظام انقلابی به بین‌الملل‌گرایی انقلابی مربوط است. در شناسایی ابعاد، مؤلفه و شاخص‌ها مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و عناصر مانایی و استحکام‌بخش شناسایی و شاخص‌بندی شده است.

بین‌الملل‌گرایی انقلابی

نظام بین‌المللی از مجموعه متغیرهای وابسته به یکدیگر تشکیل شده است و هرگونه تغییر در هریک از عناصر تشکیل‌دهنده نظام به دیگر بخش‌های آن نیز سرایت می‌کند و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظام بین‌الملل محیطی است که در آن، واحدهای سیاست بین‌الملل



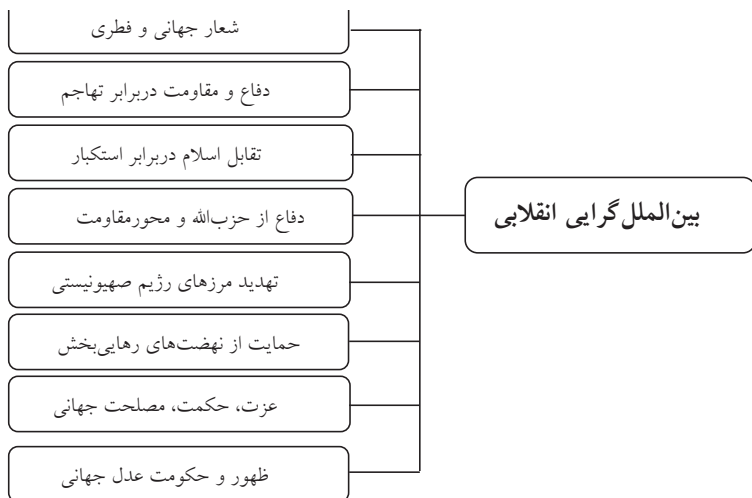
عمل می‌کنند؛ به طوری که، رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیت‌ها و خواسته‌های واحدهای اشاره‌شده از نظام بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد (قوام، ۱۳۷۲: ۲۹). کارکردهای نظام بین‌المللی را با توجه به شرایط و مقتضیات حاکم بر سیاست بین‌الملل باید بررسی کرد. برای نمونه، داده‌های سیاست خارجی و رفتار دولت‌ها در زمان جنگ سرد و تنش‌زدایی متفاوت بوده است.

برخی از نظریه‌های بین‌الملل‌گرایی و سیاست جهانی انقلاب‌ها بر این باورند که دولت انقلابی از یک سو، به دنبال این است که حمایت خارجی ملت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی از منش و روش انقلابی خود علیه دولت‌های محافظه‌کار (اعم از غیرانقلابی و ضدانقلابی) جلب کند و هم‌زمان از سوی دیگر، در پی برقراری رابطه با دولت‌ها نیز هست. این همان تناقض میان عنصر بین‌الملل‌گرایی انقلابی و عنصر دیپلماسی در رفتار هر دولت انقلابی است. بررسی این موضوع اهمیت دارد که در درازمدت چگونه فاکتورهای بین‌المللی و الزامات سیستم در نظام بین‌الملل، به ایجاد تحولاتی در درون حکومت‌های انقلابی می‌انجامد و تغییر و تحولاتی را در رفتارهای سیاسی و جهت‌گیری‌های اجتماعی و اقتصادی آنها ایجاد می‌کند (هالیدی، ۱۳۷۸: ۳۶).

ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم و در چهارچوب جنگ سرد میان دو ابر قدرت آمریکا و شوروی بر نظام بین‌الملل سایه افکند. بر این اساس، هریک از کشورها با توجه به عضویتشان در یکی از بلوک‌بندی‌های قدرت در نظام بین‌الملل و ایجاد پیمان‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای، مواضع منسجم و همگونی را در برخورد با قطب دیگر اتخاذ می‌کردند (مجرد، ۱۳۸۶: ۵۴). رویکرد بین‌الملل‌گرایی انقلابی انقلاب اسلامی ایران این ساختار را تغییر داد. هرچند نباید نقش تحولات غیرانقلابی را در ساختن نظام بین‌الملل نادیده گرفت؛ ولی، نقش بارز انقلاب‌ها و تحولات انقلابی در این زمینه انکارشدنی نیست (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۷۲). انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین تحولات سیاسی اجتماعی دنیا در نیمه دوم قرن بیستم به‌شمار می‌رود و همچنین، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظریه نظام انقلابی تأثیر شگفت‌آوری در ورای مرزها و نظام بین‌الملل برجای گذاشته و تحولات ناشی از آنها، عناصر درونی نظام بین‌الملل را به شکل عمیقی تحت تأثیر قرار داده است.

با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب و با در نظر گرفتن مجموعه نظریات موجود برای اینکه بعد بین‌الملل‌گرایی انقلاب بتواند در استحکام نظریه نظام انقلابی نقش اصلی خود را ایفا کند باید از مؤلفه‌هایی برخوردار باشد که در ادامه، به آنها اشاره می‌شود:





شکل (۲) مؤلفه های بین الملل گرایی انقلابی

تطابق آرمان داخلی و رفتار خارجی

انقلاب اسلامی میان آرمان داخلی و رفتار خارجی خود انطباق ایجاد کرده و در عرصه نظری و مقام عمل براساس آن حرکت می کند. بیشتر انقلاب های بزرگ میان رفتار خارجی و آرمان های داخلی خود تعارض اساسی دارند؛ زیرا، تأثیرات انقلاب بر تغییرات بنیادین در داخل کشور بسیار بیشتر از خارج از آن است. این بدان معناست که رهبران انقلابی قدرت ایجاد تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محسوس و گسترده را در سطح داخلی دارند؛ ولی، به ندرت و با دشواری می توانند در ساختار بین المللی تغییر از نوع انقلابی آن ایجاد کنند. در نتیجه، انقلاب ها در منش و کنش فرامرزی و بین الملل خود به طور کلی از آرمان ها و رویکرد انقلابی خود در سطح سیاست داخلی فاصله درخور توجهی می گیرند.

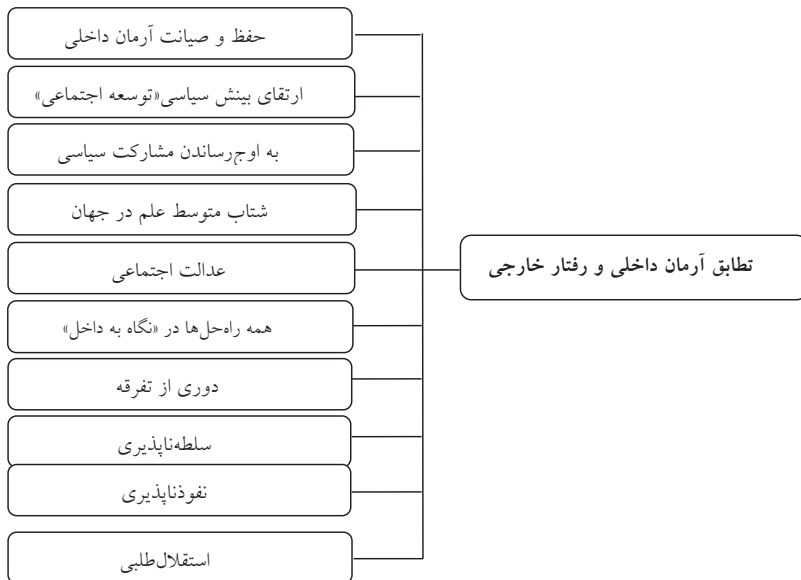
تلاش و وفاداری انقلاب اسلامی در منش و کنش خود در آرمان داخلی با پیاده سازی آن در رفتار خارجی، تناقض نداشته است. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلامی، از آرمان های انقلاب بوده است؛ به طوری که، نه قصد استیلا بر مقدرات ملت های دیگر را دارد و نه سلطه هیچ قدرتی را بر خود تحمل می کند. انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی و نه غربی، جلوه ای از این اصل را تجلی بخشید که طبق آن، جمهوری اسلامی ایران برای خود هویتی مستقل از نفوذ قدرت ها و ابر قدرت های جهان قائل شد و سیاست خارجی خود را بر پایه معیارهای اسلامی بنا نهاد؛ بنابراین، براساس



قانون اساسی، در هیچ قانونی، نه تنها در سیاست خارجی، بلکه، در سیاست‌گذاری‌های داخلی تضادی وجود نداشته است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۵۲).

در بیانات بنیان‌گذار انقلاب آمده است: «پیروزی ملت مسلمان ایران بدون شک سرمشق خوبی برای سایر ملل ستم‌دیده جهان، خصوصاً ملت‌های خاورمیانه خواهد بود» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۳۳). «ما باید نه تنها کشورمان، بلکه تمام مردم جهان را مستقل کنیم.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۱۱۴). «برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمان است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمان است، در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۳۶). در نتیجه، در انقلاب اسلامی ایران، پیوند سیاست داخلی و خارجی با داشتن رابطه‌ای دوسویه بین دو متغیر وابسته در ارتباط با متغیر مستقل نشر و احیای تعالیم اسلامی در دنیا و نظام بین‌الملل مفهوم می‌یابد.

با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب و با در نظر گرفتن مجموعه نظریه‌های موجود، برای اینکه بعد تطابق آرمان داخلی و رفتار خارجی بتواند برای استحکام نظریه نظام انقلابی نقش اصلی خود را ایفا کند، وجود مؤلفه‌هایی ضروری به نظر می‌رسد که این مؤلفه‌ها در شکل (۳) نشان داده شده است:



شکل (۳): مؤلفه‌های تطابق آرمان داخلی و رفتار خارجی

صدور انقلاب

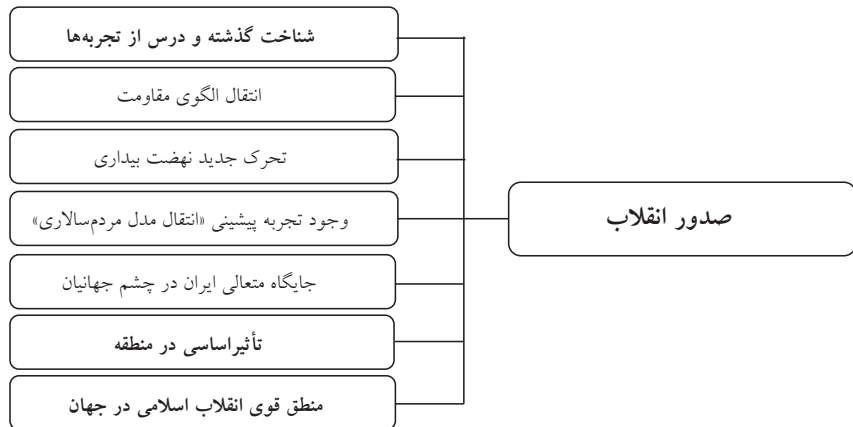
صدور انقلاب همواره در میان انقلابی‌ها و مقامات بلندپایه انقلاب‌ها موضوع بحث و تنش بوده و موافقان و مخالفانی داشته است. تمایل برای صدور انقلاب همواره در تناقض با گرایش مخالف صدور انقلاب قرار می‌گیرد. از یک سو، اگر انقلابی ایده‌های خود را صادر نکند و بین‌المللی نشود، پشت مرزهای خود متوقف می‌شود و خواهد مرد؛ این رویکرد در تفکر انقلابی همهٔ تئوریسین‌های انقلابی، از ناپلئون بناپارات در اندیشهٔ انقلابی فرانسه گرفته، تا کارل مارکس در اندیشهٔ مارکسیسم، و انقلاب اسلامی ایران وجود دارد. شهید بهشتی بر این باور بودند که: «اصولاً هر انقلابی که تنها به درون مرزهایش پرداخته و توجهی به خارج از حدود خود نداشته باشد، دشمن آسوده‌اش نمی‌گذارد... این یک اصل در مبارزه است که باید به آن توجه نمود، اگر ما با دشمنان انقلاب در آن سوی مرزها نجنگیم، دشمن مرزهای ما را دائماً کوچک‌تر و محدودتر خواهد کرد» (بهشتی، ۱۳۷۰، روزنامه جمهوری اسلامی، به نقل از تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۶۲-۶۳).

درواقع، از جمله شهید بهشتی این‌گونه برداشت می‌شود که عمق راهبردی و دامنهٔ استراتژیک انقلاب اسلامی به ایران محدود نیست. امام خمینی (ره) دربارهٔ صدور انقلاب فرموده‌اند: «ما که می‌گوییم انقلاب را می‌خواهیم صادر کنیم، می‌خواهیم همین معنایی که پیدا شد، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم... ما این واقعیت را و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم...» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۱۰۲-۱۰۳).
مقام معظم رهبری دربارهٔ صدور انقلاب این‌طور فرموده‌اند که: «هدف این نیست که ما انقلاب را به شکل متعارف در عرف سیاسی و قاموس سیاسی به این کشور و آن کشور صادر کنیم؛ انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی بشود آن را صادر کرد یا با ابزارهای نظامی و امنیتی بشود آن را پیش برد؛ این غلط است؛ ما از اول، این راه را بستیم. مسئلهٔ جمهوری اسلامی، مسئلهٔ بازتولید معارف والای اسلامی است، تا مسلمان‌ها احساس هویت کنند، احساس شخصیت اسلامی کنند، با تعالیم اسلام که نجات‌بخش بشریت است، آشنا شوند» (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۹/۰۸/۰۳).



رویکرد دیگری دربارهٔ صدور انقلاب وجود دارد که جبر و اجباری در مسئلهٔ صدور انقلاب وجود ندارد. برای حفظ و صیانت از ذات انقلاب و انقلابیان باید آرمان‌های انقلابی را به کشور انقلابی خود اختصاص داد. در این دیدگاه، حفظ خود انقلاب و نظام سیاسی به مراتب اولویت بیشتری نسبت به صدور انقلاب دارد. این رویکرد در همهٔ انقلاب‌ها وجود داشته است و در انقلاب اسلامی ایران نیز محل بحث میان مقامات بلندپایهٔ انقلاب بود؛ ولی، در گفتمان کلان انقلاب اسلامی و بیانات بنیان‌گذار انقلاب و مقام معظم رهبری (مدظله) صدور انقلاب اولویت بیشتری دارد. به این دلیل که ماندگاری و بقای انقلاب و نظام برآمده از آن، در پرتو نظریهٔ صدور تحقق می‌یابد. آن‌طور که رهبری (مدظله) می‌فرماید: «عمق استراتژیک انقلاب ما... مثل این است که انسان خیمه‌ای داشته باشد و ده‌ها ریسمان در ده‌ها سرزمین، با میخ‌های بلند آن را کوبیده باشند. این خیمه به‌گونه‌ای استوار و پابرجا می‌ماند که هیچ توفانی نمی‌تواند آن را تکان دهد» (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴).

بر اساس آنچه دربارهٔ صدور انقلاب گذشت، صدور انقلاب نظر و رویکرد افراد مخالف صدور را نیز تأمین می‌کند. با بررسی بیانیهٔ گام دوم انقلاب و با در نظر گرفتن مجموعهٔ نظریات موجود برای اینکه بُعد صدور انقلاب بتواند در استحکام نظریهٔ نظام انقلابی نقش اصلی خود را ایفا کند، به مؤلفه‌هایی نیاز دارد؛ از جمله:



شکل (۴): مؤلفه‌های صدور انقلاب

دولت - نظام انقلابی

آنچه در تاریخ انقلاب‌های اخیر دنیا اتفاق افتاده است، رویگردانی از منش انقلابی و تمایل به استقرار نظام و ثبات وضعیت موجود است. انقلاب‌ها به‌طور طبیعی و اصولی در تقابل با محافظه‌کاری (تمایل به حفظ وضع موجود) یا همان دولتی بودن قرار می‌گیرند؛ ولی پارادوکس ماجرا آن است که هر انقلابی برای رسیدن به موفقیت و تثبیت داخلی باید دولتی قوی انقلابی تشکیل دهد. به‌عبارت‌دیگر، این تعارض نشان‌دهنده تعارض میان ایده‌های اینترناسیونالیستی (بین‌المللی - جهانی) انقلاب و نظام دولت - ملت وستفالیایی است. به این ترتیب، هر جریان انقلابی در داخل به دنبال تقویت پایه‌های دولت و قدرت خود است؛ در حالی که، هدف انقلاب در نظام بین‌المللی چیزی جز تضعیف دولت و نظام در این ملت نیست.

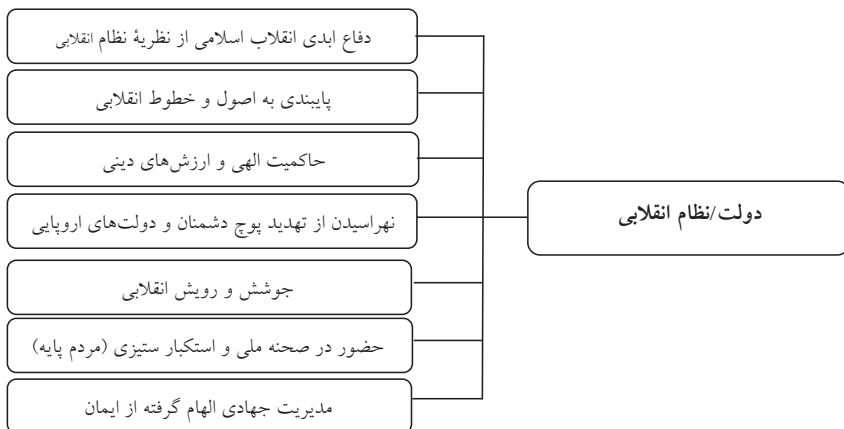
موضوع اصلی انفکاک و یا عدم انفکاک میان انقلاب اسلامی و دولت جمهوری اسلامی است. تجربه انقلاب‌های دیگر نشان داده است انقلاب‌ها عموماً بعد از پیروزی به نظام تبدیل شده و از حالت انقلابی درآمده و روحیه محافظه‌کاری پیدا می‌کنند؛ در حالی که، در انقلاب اسلامی چنین اتفاقی صورت نگرفت و انقلاب در عین ایجاد نظام جمهوری اسلامی، همچنان راه خود را دنبال کرده است. به این ترتیب، انقلاب اسلامی مساوی با جمهوری اسلامی نیست و جمهوری اسلامی مساوی با انقلاب اسلامی نیست. نمود سیاسی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی است. در واقع، جمهوری اسلامی فعل مشروط انقلاب اسلامی است و نهادی است که باید در خدمت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد؛ بنابراین، هر سیاست و هر رفتاری که در این نهاد منطبق با آرمان‌های انقلاب اسلامی بود، نعم‌المطلوب؛ ولی، هر کدام مطابق نبود، به نقد کشیده می‌شود و هر جا انطباق نداشت، باید تغییر کند (قادری، ۱۳۹۷: ۳).

از سوی دیگر، رویکرد نظام انقلابی یا دولت محافظه کار و حفظ وضعیت موجود تعارض جدیدی ایجاد می‌کند. تنش میان هویت ملی و بین‌المللی است. آیا ملیت و هویت ملی دولت انقلابی مهم‌تر است یا رسالت و ایدئولوژی بین‌المللی / امت‌گرایی اولویت دارد. پاسخ به این پرسش بر ملاکننده تناقض میان بُعد ملی و فراملی انقلاب است. واضح است که انقلاب اسلامی ایران رویکرد «امت‌محوری» و «جهان‌گرایی اسلامی - معنوی» را در قالب تمدن نوین اسلامی دنبال می‌کند. دولت و نظام انقلابی مدل و الگوی انقلاب اسلامی ایران است. سیاست خارجی همه کشورها از آرمان و هویت آنها متأثر است؛ به عبارت‌دیگر، این



هویت است که حتی منافع را مشخص می‌کند. نظام انقلابی به معنی جست‌وجوی واقع‌بینانه آرمان‌های ملت ایران و ملت‌های دیگر است.

با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب و با در نظر گرفتن مجموعه نظریات موجود برای اینکه بعد دولت / نظام انقلابی بتواند در استحکام نظریه نظام انقلابی نقش اصلی خود را ایفا کند، به مؤلفه‌هایی نیاز دارد که در ادامه می‌آید:



شکل (۵): مؤلفه‌های دولت / نظام انقلابی

مدل مفهومی تحقیق

مانایی انقلاب اسلامی و استحکام نظریه نظام انقلابی در عرصه فرامرزی و بین‌المللی، یکی از ضرورت‌های راهبردی است که مقام معظم رهبری (مدظله) همواره بر آن تأکید داشته‌اند و در بیانات خود و به‌ویژه، در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره کرده‌اند. به عبارت دیگر، استحکام نظام انقلابی و ماندگاری انقلاب اسلامی به معنای این است که حوزه‌های راهبردی و مؤلفه‌های آن بتوانند در محدوده داخلی، فرامرزی و بین‌المللی در یک کلیت قرار بگیرند. همچنین، هم‌راستایی مانایی انقلاب و استحکام نظریه نظام انقلابی با چهار مؤلفه بین‌المللی‌گرایی انقلابی، تطابق آرمان داخلی و رفتار خارجی، صدور انقلاب و دولت انقلابی ضروری است. برای ساخت مدل مفهومی پژوهش از بیانات رهبران انقلاب با تمرکز بر بیانیه گام دوم انقلاب استفاده شده است.

جدول (۱): ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مانایی انقلاب و استحکام نظریه نظام انقلابی

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
بین‌الملل‌گرایی انقلابی		شعار جهانی و فراگیری انقلاب اسلامی
		همسویی انقلاب با فطرت بشری
		دفاع از مظلوم و مقابله با زورگویان عالم
		ظهور گفتمان جدید جهانی تقابل اسلام در برابر استکبار
		دفاع از حزب‌الله و محور مقاومت در مقابل قدرتهای بزرگ
		ثبات در دیپلماسی و منطق قوی انقلاب اسلامی در جهان
		تهدید مرزهای رژیم صهیونیستی و مقابله با انحصارگران جهان
		حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش اسلامی و غیراسلامی
		عزت، حکمت، مصلحت جهانی
		ظهور و حکومت عدل جهانی و برپایی نظام بین‌الملل
آرمان داخلی		تغییر مسیر جهان دوقطبی به سه قطب و تلاش در بین‌الملل‌گرایی اسلامی
		حفظ و صیانت آرمان داخلی
		ارتقای بینش سیاسی
		توسعه فرهنگی - اجتماعی
		مشارکت سیاسی
		توسعه علم و فناوری
رفتار خارجی		عدالت اجتماعی
		خوکفایی و نگاه به داخل
		دوری از تفرقه
		وحدت و تقریب مسلمین
		سلطه ناپذیری خارجی
		نفوذناپذیری
		استقلال طلبی
		تأثیراساسی در منطقه
انتقال مدل مردم‌سالاری		
صدور انقلاب		پایبندی بر گفتمان خارجی
		انتقال الگوی مقاومت و توسعه انقلاب
		صدور گفتمان انقلاب و تحرک جدید نهضت بیداری
دولت / نظام انقلابی		جایگاه متعالی ایران در چشم جهانیان
		دفاع همه‌جانبه از گفتمان انقلاب اسلامی
		پایبندی به اصول و خطوط انقلابی
		باور به ارزش‌های دینی و انقلابی
		نهراسیدن از دشمن و شجاعت انقلابی
		رویش انقلابی و کادرسازی
		حضور مردمی
مدیریت جهادی و انقلابی		



بنابراین، باتوجه به دیدگاه‌های اشاره شده می‌توان چهار حوزه بین‌الملل‌گرایی، آرمان بلند داخلی و خارجی، صدور انقلاب و نظام انقلابی را به ابعاد و حوزه‌های اصلی استحکام نظریه نظام انقلابی و مانایی نظام انقلابی در نظر گرفت.

عوامل یا عوامل مانایی انقلاب و استحکام نظریه انقلابی



شکل (۶) مدل مفهومی پژوهش

یافته‌ها و توصیف نتایج

در تحلیل مراحل و جمع‌بندی پژوهش گفتنی است که، تبدیل مضامین و استخراج مضامین سازمان‌دهنده پس از بررسی و تبدیل متن و نقل قول مضامین پایه‌ای استخراج شدند. حاصل مضامین پایه انتخاب بیانیه گام دوم انقلاب از میان تعداد زیاد و مختلفی از کدها و بیانات درباره ماندگاری انقلاب اسلامی و نظریه نظام انقلابی بود، که با تبدیل مضامین پایه به مضامین سازمان‌دهنده دسته‌بندی منسجمی درباره موضوع به دست آمد.

تبدیل مضامین سازمان‌دهنده به مضمون فراگیر: در این مرحله، از میان مضامین سازمان‌دهنده متعدد باید به مضامینی انتزاعی و عینی دست پیدا کرد. در این مرحله، مضامین اصلی از دل مضامین سازمان‌دهنده به چند مؤلفه اصلی می‌رسد که باید توصیف شوند.

استخراج و توصیف شبکه مضامین: با بررسی و استخراج مضامین فراگیر، مقاله پیش‌رو به چهار مضمون فراگیر دست یافت که هر یک از مضمون‌ها توصیف خواهند شد:



- بین الملل‌گرایی: مضمون مبتنی بر بین‌الملل‌گرایی انقلاب اسلامی از مهم‌ترین شبکه مضمون‌های بیانیه گام دوم انقلاب است. شاخص‌های آن شامل شعار جهانی و فراگیری انقلاب اسلامی، همسویی انقلاب با فطرت بشری، دفاع از مظلوم و مقابله با زورگویان عالم، ظهور گفتمان جدید جهانی تقابل اسلام در برابر استکبار، دفاع از حزب الله و محور مقاومت در مقابل قدرت‌های بزرگ، ثبات در دیپلماسی و منطق قوی انقلاب اسلامی در جهان، تهدید مرزهای رژیم صهیونیستی و مقابله با انحصارگران جهان، حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش اسلامی و غیراسلامی، عزت، حکمت، مصلحت جهانی، ظهور و حکومت عدل جهانی و برپایی نظام بین‌الملل، تغییر مسیر جهان دوقطبی به سه قطب و تلاش در بین‌الملل‌گرایی اسلامی هستند.

جهان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه نفوذ و تسلط تقسیم‌شده میان دو بلوک بود، در آن دوره، استراتژی و راهبرد قدرت‌های برتر «شوروی» و «آمریکا» بر ساخت حوادث غلبه داشت؛ برخلاف دوره کنونی که استراتژی دولت‌ها و ملت‌ها بر آن غلبه دارد. تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنگ‌ها مقیاس کوچک‌تری از درگیری این دو قدرت بود. دو قدرت درگیری خود را به صورت نیابتی اداره و هدایت می‌کردند. در این برهه، خبری از جهان اسلام نبود؛ جهان اسلام نیز تقسیم‌شده بین این دو قدرت بود. گروهی از کشورها با آمریکا متحد بودند و گروهی نیز با شوروی، که بعد از فروپاشی مستقل شدند. سیاست‌های دو بلوک شرق و غرب به‌رهبری آمریکا و شوروی، به‌ویژه، در اواخر جنگ سرد، در خاورمیانه ناشی از تعقیب راهبرد حفظ وضع موجود بود؛ ولی، تلاش برای حفظ وضع موجود، با وجود تضاد منافع بین دو بلوک در قبال مسائل موجود در خاورمیانه، تعقیب نشد. این عامل در رفتار دو کشور به‌ویژه، در قبال جنگ عراق و ایران و اجماع دو ابرقدرت درباره نحوه برخورد با جنگ و پایان دادن به آن مشهود بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۸). با پایان جنگ سرد، سیاست حفظ وضع موجود جای خود را به نوعی مهندسی وضعیت موجود در مسیر منافع تنها ابرقدرت، یعنی آمریکا، داد؛ ولی، رویکرد بین‌الملل‌گرایی انقلاب اسلامی آن را تغییر داد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تحولات جدیدی در کشورهای اسلامی رخ داد و غرب و ایالات متحده را با چالشی جدی مواجه کرد. گذار به مردم‌سالاری «الگوی انقلاب اسلامی» در منطقه تقویت شد و بسیاری از رهبران عرب و متحدان آمریکا جایگاه سیاسی خود را از



دست دادند یا تضعیف شدند و برخی رژیم‌های عربی از ترس سرنگونی به اصلاحاتی دست زدند. حضور دولت‌های مردمی در قدرت، زمینه را برای تقویت جایگاه گفتمان اسلام‌گرایی در برابر گفتمان سکولار و همچنین پیگیری سیاست‌هایی مستقل از منافع آمریکا در منطقه فراهم کرد.

- **تطابق آرمان داخلی و رفتار خارجی:** شاخص‌های این مؤلفه عبارت‌اند از: حفظ و صیانت آرمان داخلی، ارتقای بینش سیاسی، توسعه فرهنگی - اجتماعی، مشارکت سیاسی، توسعه علم و فناوری، عدالت اجتماعی، خوکفایی و نگاه به داخل، دوری از تفرقه، وحدت و تقریب مسلمین، سلطه‌ناپذیری خارجی، نفوذناپذیری، استقلال‌طلبی، تأثیر اساسی در منطقه، انتقال مدل مردم‌سالاری، پایبندی بر گفتمان خارجی که نشانگر وحدت در نظریه انقلاب است. این موضوع با اهمیت از زمینه‌های تشکیل امت واحده اسلامی است و در مقدمه قانون اساسی، عالی‌ترین سند کشور نیز گنجانیده شده است: «قانون اساسی باتوجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ)» (انبیاء: ۹۲)؛ و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵). تطابق آرمان داخلی و رفتار خارجی در حمایت و پشتیبانی ایران از مستضعفان جهان و جنبش‌های رهایی‌بخش تجلی پیدا کرده و جنبه عینی پیدا کرده است. در واقع، این اصل مصداق عینی حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم است؛ به عبارت دیگر، شیوه‌های استکبارستیزی دوگانه است: نخست، مبارزه با مستکبران و سلطه‌گرانی که مهم‌ترین عامل استضعاف ملت‌ها هستند؛ دوم، حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مستضعف، که معلول ناآگاهی از یک‌سو و خشونت ساختاری نظام سلطه از سوی دیگر است (دهقانی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

- **صدور انقلاب:** مبتنی بر مضامین استخراج‌شده انتقال الگوی مقاومت و توسعه انقلاب، صدور گفتمان انقلاب و تحرک جدید نهضت‌بیداری، جایگاه متعالی ایران در چشم جهانیان از مهم‌ترین شاخص‌های آن است. همان‌گونه که امام خمینی (ره) فرموده‌اند، ما طرفدار مظلوم هستیم؛ براساس این گفتمان، مظلوم در هر جای دنیا که باشد، از حمایت ما برخوردار است.

از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، دخالت‌نکردن در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل است؛ به‌گونه‌ای که، امام (ره) می‌فرماید: «دولت اسلامی با همه ملت‌ها و با همه دولت‌ها می‌خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد، در صورتی که آنها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۸).

- دولت - نظام انقلابی: از مضامین فراگیر و اصلی دیگری که در بیانیه گام دوم وجود دارد، دفاع همه‌جانبه از گفتمان انقلاب اسلامی، پایبندی به اصول و خطوط انقلابی، باور به ارزش‌های دینی و انقلابی، نهراسیدن از دشمن و شجاعت انقلابی، رویش انقلابی و کادرسازی، حضور مردمی، مدیریت جهادی و انقلابی است. رهبری یکی از ارکان پراهمیت در جریان ماندگاری انقلاب اسلامی و حفظ آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی است؛ امام خمینی (ره) با شخصیتی کاریزماتیک و رهبری الهی و جذبه علمی و عرفانی، جوانان بسیاری از اقشار اجتماع ایران را به گرد خود درآورده بود؛ ایشان علاوه بر وجه رهبری حرکت سیاسی، مرجع تقلید مردم در امور دینی نیز بودند و از این نظر نزد مردم اعتباری مضاعف داشتند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲۴؛ جمال‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۹). در نظام جمهوری اسلامی ایران، اساس حرکت بر پایبندی به مبانی است. چیزی که مبدأ مشروعیت این نظام شمرده می‌شود یعنی، ولایت الهی که به فقیه (جامع‌الشرایط) منتقل می‌شود، به پایبندی بر احکام الهی مشروط است (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۵/۳/۱۴). ایدئولوژی اسلامی، آرمان‌گرایی انقلابی، اعتقاد و باور دینی، نظام عقیدتی ولایت‌مدار، روحیه تکلیف‌محوری، هویت خواهی و تعالی‌طلبی از مهم‌ترین شاخص‌های آن است.

نتیجه‌گیری

بیانیه‌ی گام دوم انقلاب تجدیدمطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. براساس این رویکرد، در واقع، بیانیه گام دوم انقلاب نقشه راه انقلاب اسلامی در داخل و برای جمهوری اسلامی ایران و در عرصه برون‌مرزی برای کشورهای مجاور / پیرامونی، جهان اسلام و عرصه بین‌المللی است؛ بنابراین، لازم است این بیانیه تبیین و واکاوی شود. هدف از این پژوهش، تحلیل علل مانایی



انقلاب اسلامی و استحکام نظریه نظام انقلابی در عرصه فرامرزی و بین‌المللی بوده است. ازسوی دیگر، برای پی‌بردن به زمینه‌های مانایی انقلاب، مؤلفه‌های استحکام‌بخش نظام انقلابی از بیانیه گام دوم شناسایی و استخراج شدند.

بنابراین در این مقاله، ضمن بیان ادبیات تحقیق در زمینه انقلاب اسلامی و نظریه نظام انقلابی، شاخص‌های مؤثر در ماندگاری انقلاب و استحکام‌بخشی نظریه نظام انقلابی دسته‌بندی و در جدول نشان داده شد. براساس مسئله و رویکرد مانایی انقلاب در عرصه فرامرزی در این مقاله، چهار عامل برای مانایی و استحکام نظام انقلابی معرفی شده‌اند که در چهار دسته ۱. بین‌الملل‌گرایی انقلابی، ۲. تطابق آرمان داخلی و رفتار خارجی، ۳. صدور انقلاب، ۴. دولت - نظام انقلابی جای داد. هر دسته با توجه به مفهوم و تعریف ویژه خود معرف تعدادی از شاخص‌های مؤثر هستند.

از مؤلفه‌های استخراج‌شده از بیانیه گام دوم انقلاب برداشت می‌شود که، جهان از سلطه شرق و غرب خارج شده است و امروزه با کناررفتن مکتب مارکسیستی - سوسیالیستی، ملت‌های دنیا در حال تقابل، مبارزه و مقاومت در برابر استکبار - نظام سلطه قرار دارند. در گذشته، تمام اختلاف‌ها و جنگ‌ها در داخل دو بلوک شرق و غرب صورت می‌گرفت. امروزه، با ظهور و گسترش گفتمان انقلابی جدید از سال ۱۹۷۹ و پس از آن، مبارزات و مقاومت علاوه بر جنبه مردمی مستقل ازسوی ملت‌ها و مردم پایه انجام می‌پذیرد. شاخص‌های استخراج‌شده از بیانیه گام دوم نشان‌دهنده آن است که رویکرد نظری مردم در دنیا تغییر کرده است و دیگر برگرفته از تفکرات شرق و غرب نیست و تحت‌تأثیر استقلال فکری - فطری بشری و در مسیر آرمان‌های انسانی - اسلامی در قالب نهضت‌های رهایی‌بخشی قرار گرفته است.

آنچه در تحلیل علل مانایی انقلاب و زنده ماندن انقلاب اسلامی به دست آمد، شعارهای جهانی و آرمان ارزشی و دینی آن بوده است. مفاهیم «آزادی»، «اخلاق»، «معنویت»، «عدالت»، «استقلال»، «عزت»، «عقلانیت» و «برادری» محصول تفکرات، تولیدات و اختیارات بشری یا اومانیسیم نیست؛ بلکه، در نهاد خلقت - تاریخی بشر ریشه دارد، که گفتمان انقلابی آن را احیا کرده است و در راه عملی ساختن آن می‌کوشد. در واقع، حل تنش، تعارض و چالش‌های نظام انقلابی در عرصه فرامرزی و بین‌المللی علت مانایی و استحکام نظریه نظام انقلابی بوده است. انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی توانسته است تنش‌های



انقلابی در نظریه نظام انقلابی حل کند یا دست کم، به ارائه گفتمان انقلابی در ورای مرزهای خود موفق شده است. در نتیجه، با پایبندی به شاخص‌های چهارگانه استخراج شده از مقاله، ماندگاری انقلاب و استحکام بخشی خارجی آن تقویت خواهد شد. با نسبت رویگردانی از آن به منزله آسیب اساسی انقلاب و کوشش در عملی ساختن آن رسیدن به آرمان جهانی انقلاب را نزدیک و محقق خواهد کرد.



منابع

- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۵۸، با آخرین اصلاحات ۱۳۶۸.
- استوارت، گیل بی (۱۳۸۸). امپراتوری هیتلر، مترجم: مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
- اکبری، حسین (۱۳۹۶). «تقابل گفتمان مقاومت و نظام سلطه»، تهران، انتشارات دانشگاه امامحسین(ع).
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۱). «درآمدی بر سیاست خارجی ایالات متحده، از دکتربین واشینگتن تا یک‌جانبه‌گرایی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌ویکم، شماره ۳، پاییز، صفحات ۶۳۷-۶۶۱.
- آلودیس، گیلبرگ (۱۳۷۱). جایگاه فاشیسم در تاریخ اروپا، ترجمه حشمت‌الله رضوی، تهران، کیهان.
- بهشتی، محمدحسین (۱۳۷۰). «درباره صدور انقلاب»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱ فروردین ۱۳۷۰.
- پالمر، روزولت (بی‌تا). عصر انقلاب دموکراتیک، مترجم: حسین فرهودی، تهران، امیرکبیر.
- پلانو جک سی و روی والتون (۱۳۷۵). فرهنگ روابط بین‌الملل، مترجم: رحمت‌اله‌مقدم، تهران، زوار.
- تاجیک، هادی و جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲). الگوی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی، مجله راهبرد، سال ۱۰، شماره ۲۷، بهار.
- توکویل، الکسی (۱۳۶۹). انقلاب فرانسه و رژیم پیش‌از آن، تهران، نقره.
- جمال‌زاده، ناصر و محمدباقر باباهادی و رضا فیضی (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله)»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، بهار و تابستان، پیاپی ۱۲، صفحات ۱۰۵-۱۲۷.
- جمال‌زاده، ناصر، (۱۳۹۱). گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵). انقلابی متمایز: جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب.
- حجت‌زاده، عبدالحسین (۱۳۸۲). «یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و صلح جهانی»، ماهنامه نگاه، سال چهارم، آبان و آذر، شماره ۴۰، صفحات ۲۷-۳۸.



- خمینی، سید روح‌الله (ره) (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دولاندن، ش (۱۳۶۸). *تاریخ جهانی*، جلد ۲، احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مهدی فرازی (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۹، شماره ۲۸.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۶). *توسعه و تضاد*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- سرژ برشتین، و دیگران (۱۳۷۰). *تاریخ قرن بیستم*، مترجم امان‌الله ترجمان، مشهد، آستان قدس رضوی.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷). *رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- قادری، روح‌الله (۱۳۹۷). *نقش نیروهای منطقه‌ای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تأمین امنیت ملی*، *مجله آفاق امنیت*، سال یازدهم، شماره ۴۰، پاییز، صفحات ۱-۳۳.
- ماله، آلبر (۱۳۶۳). *تاریخ قرون جدید*، مترجم: فخرالدین شادمان، تهران، دنیای کتاب.
- ماله، آلبر و ژوا ایزاک (۱۳۶۴). *تاریخ قرن هجدهم: انقلاب فرانسه و امپراتوری ناپلئون*، مترجم: رشید یاسمی، تهران، انتشارات جیبی.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶). *تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۹۴). *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، چاپ پنجم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴). *تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران*، *مجله مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۱، تابستان ۸۴.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳). *بازخوانی نظم برخاسته از معاهدات و ستفالی*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۵، صفحات ۱۸۷-۲۱۴.
- هالیدی، فرد (۱۳۷۸). «انقلاب و روابط بین‌الملل»، مترجم: مسعود اخوان کاظمی، *مجله انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره سوم، پاییز ۷۸.
- هاوگن، براندا و بنیتو موسولینی (۱۳۸۹). *دیکتر فاشیست ایتالیا*، مترجم: رضا علیزاده، تهران، ققنوس.

